

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سیر هنر در تاریخ (۲)

دوره پیش‌دانشگاهی

رشته هنر

شماره درس ۱۴۲۷

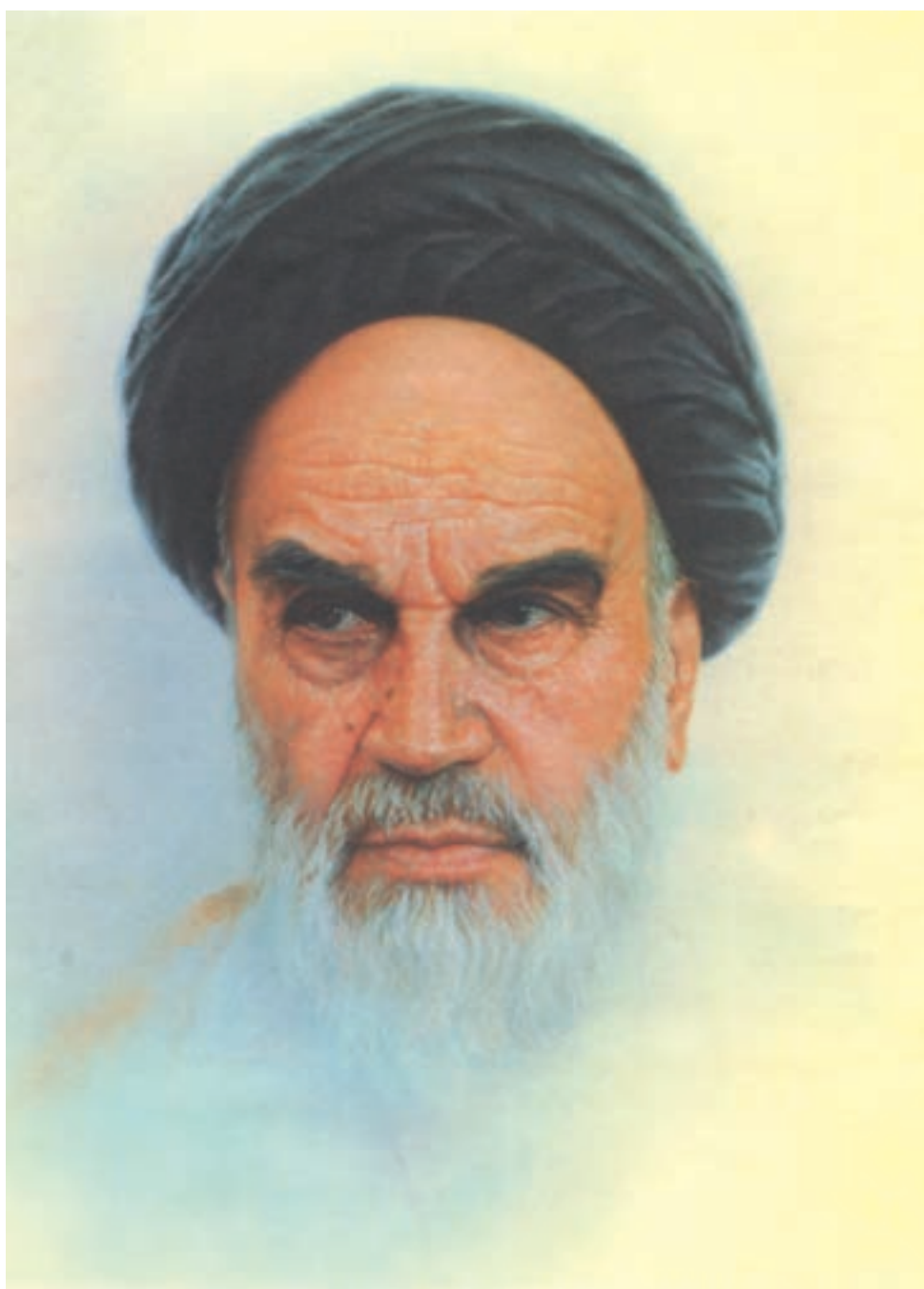
ذکرگو، امیر	۷۰۹
سیر هنر در تاریخ (۲) / مؤلف: امیر ذکرگو. - تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۶.	س ۹۳۵/ذ ۱۳۹۶
۱۷۸ص. : مصور. - (آموزش دوره پیش‌دانشگاهی؛ شماره درس ۱۴۲۷)	
متون درسی رشته هنر دوره پیش‌دانشگاهی.	
برنامه‌ریزی و نظارت، بررسی و تصویب محتوا: کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشته هنر دوره پیش‌دانشگاهی دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش.	
۱. هنر- تاریخ. الف. ایران. وزارت آموزش و پرورش. دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش. ب. عنوان. ج. فروست.	



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب :	سیر هنر در تاریخ (۲) - ۵۹۴/۸
پدیدآورنده :	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :	دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :	مژگان اصلانی، خدیجه بختیاری، حسن سروندی، بشری گلبخش، میترا عطار، معصومه مرادپور و زهره نهاردانی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
مدیریت آماده‌سازی هنری :	امیر ذکرگو (مؤلف)، نصرالله تسلیمی (ویراستار علمی)
شناسه افزوده آماده‌سازی :	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
نشانی سازمان :	سمیه نصری (صفحه‌آرا) - محمدحسن معماری (طراح جلد)
ناشر :	تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وب‌گاه : www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
چاپخانه :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارو پخش) تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹-۳۷۵۱۵
سال انتشار و نوبت چاپ :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص» چاپ هشتم ۱۳۹۶

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



بهنر عبارتست از دمیدن روح توحید در انسانها

امام خمینی

فهرست مطالب

		مقدمه	
۶	هنر و تمدن دریای اژه و یونان	فصل ۱	
۳۴	هنر اتروسک و روم	فصل ۲	
۴۸	هنر و تمدن مسیحی	فصل ۳	
۸۶	هنر رنسانس (عصر نوزایی)	فصل ۴	
۱۱۶	هنر دوره باروک و روکوکو	فصل ۵	
۱۳۴	هنر سده نوزدهم و سرآغاز هنر نوین	فصل ۶	
۱۵۲	هنر سده بیستم	فصل ۷	
۱۷۸	منابع و مآخذ		

مقدمه

این کتاب در ادامه سیر هنر در تاریخ (۱) تدوین گشته است. در کتاب سیر هنر در تاریخ (۱) هنر در تمدن‌های باستانی شرق تا هنر و تمدن شکوفای اسلامی و دوره معاصر مورد بحث قرار گرفت، در این کتاب در ادامه به تمدن‌های باستانی غرب تا دوره معاصر آن با توجه به تحول سبک‌های گوناگون هنری به اختصار پرداخته شده است. هر چند محدودیت‌ها و زمان اختصاص یافته جهت تدریس ضرورت خلاصه‌پردازی را باعث گردیده، لذا تلاش شده تا مطالبی در خور برنامه‌ی درسی مصوب با مطالب جدید و تصاویری با کیفیت و صفحه‌آرایی مناسب ارائه شود.

هدف کلی کتاب: آشنایی با سیر تحول هنر در جهان

فصل اول

هنر و تمدن دریای اژه و یونان

تمدن اژه:

هنرمینوسی (حدود اواخر هزاره سوم و هزاره دوم ق. م)
هنر میسنی (حدود اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول ق. م)

تمدن یونان:

هنر دوره هندسی (تا حدود سده هشتم ق. م)
هنر دوره کهن (حدود سده های ۷ و ۶ ق. م)
هنر دوره کلاسیک (سده ۵ و ۴ ق. م)
هنر دوره هلنی یا یونانی گری (سده ۴ ق. م تا صدر مسیحیت)



THE GREEK WORLD





فصل اول

اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود :

- ۱- تمدن دریای اژه و یونان و خصوصیات مهم آن را توضیح دهد.
- ۲- هنر اژه را نام ببرد و تعریف نماید.
- ۳- اصلی ترین تجلیات هنری دوره هندسی یونان را شرح دهد.
- ۴- معماری و پیکرتراشی هنر یونان را توصیف نماید.
- ۵- نقوش و تفاوت آنها و همچنین مقایسه با هنر مصر را توضیح دهد.
- ۶- ویژگی‌های هنر هلنی را شرح دهد.

هنر و تمدن دریای اژه و یونان

تمدن دریای اژه و یونان یکی از تمدنهای مهم تاریخ بشر است که توانسته فرهنگ‌های گوناگون غرب را تحت تأثیر خود قرار دهد . شاید به جرأت بتوان گفت که هیچ فرهنگ و هنری به اندازه هنر و فرهنگ یونان باستان در شکل گیری هویت هنری مغرب زمین مؤثر نبوده است . این تأثیرات به حدی ژرف و وسیع است که آثار آن را هنوز پس از گذشت قرون و اعصار میتوان در بافت ادبی ، هنری و معماری بسیاری از کشورهای اروپایی مشاهده کرد.



۱-۱. دیسک پرن نسخه برداری مرمین
از یک اصل یونانی ۴۵۰ ق.م.موزه ترمه -
رم

ظاهر آثار هنری یونان نیز، همان گونه که خواهیم دید، آشناتر، مملوس تر و قابل درک تر از آثار به جای مانده از تمدن های دیگر چون مصر، هند، شرق دور و... می نماید. لذا جا دارد از خود بپرسیم که چگونه ممکن است که درک آثار هنری یکی از تمدنهای کهن نسبت به آثار دیگر تمدنها آسان تر باشد؟! چرا برای یک ایرانی که قریب به ۸۰۰ سال تاریخ مشترک با هندوستان دارد، فهم و درک هنر اسطوره‌ای هند دشوارتر است و در عوض یک اثر یونانی مثل مجسمه دیسک پرن (شکل ۱-۱) پدیده‌ای آشناتر و قابل فهم تر می نماید؟!

پاسخ سؤالاتی از این گونه را می‌بایست در جهان بینی موجود در پس آثار هر یک از تمدنها جستجو کرد. قبلاً گفتیم که دین و اعتقادات خاص مذهبی، در شکل‌گیری آثار هنری خصوصاً در تمدنهای کهن، اساسی ترین نقش را ایفا می‌کرده‌اند. حال خوب است تا به طور اجمال بدانیم که در پس آثار هنری تمدن یونان چه دیدگاهی نسبت به جهان وجود دارد.

بارزترین ویژگی نگرش دینی یونان باستان که در آثار هنری آن نیز منعکس می‌باشد جهان بینی انسان گرایانه^۱ است. هنگامیکه در ادیان یونان باستان دقیق می‌شویم در می‌یابیم مردمی که تمدن یونان را تشکیل می‌داده‌اند در دولت شهرهای مستقلی می‌زیستند که دارای نظام دینی منسجم و یکپارچه‌ای نبود. به عبارت دیگر دین مشخص و تعریف شده‌ای با شریعت منسجم و آداب و آیین‌های خاص در میان یونانیان وجود نداشته است. کتاب مقدسی در میان نبوده که رابطه جهان ماده را با عالم ماوراء طبیعت برقرار کند. در عوض افسانه‌هایی در مورد موجودات آسمانی در میان مردم رواج داشته که مادرها و مادر بزرگها به صورت داستان‌های جذاب و پرنشیب و فراز برای فرزندان و فرزندزادگان خود تعریف می‌کردند. این افسانه‌ها طبیعتاً در جوامع مختلف یونانی با ذوق و سلیقه داستانسرا فراز و نشیب‌های متفاوتی می‌یافت اما شخصیت‌های اصلی داستان‌ها، که همان خدایان و قهرمانان اسطوره‌ای بوده‌اند همواره ثابت می‌مانند. شاید بتوان شخصیت‌های مثبت و منفی افسانه‌های یونان را با رستم و دیو سفید و دیگر شخصیت‌های شاهنامه قیاس کرد. این داستان‌ها رفته رفته بافت ذهنی اهالی آن منطقه را نسبت به کیفیت ماوراء طبیعت تشکیل دادند. موضوع این داستان‌ها در ارتباط با نیروهای الهی بود و نیایش خداوند نیز به عنوان یک پدیده فطری بشری زمینه را برای تدوین متونی با موضوعات خدایی فراهم کرده بود. نبودن یک کتاب آسمانی و شریعت مدون نیز تأکید مضاعفی بر این نیاز بود.

۱. Humanism

انجام این وظیفه مهم را شعرا و هنرمندان به عهده داشتند و در نتیجه‌ی این کوشش‌ها متون ادبی و دیوان‌های شعری اسطوره‌ای - حماسی ارزنده‌ای به ظهور رسید. این متون گردآوری شده از افسانه‌های جزایر دریای اژه و مدیترانه پیکره اصلی دین مکتوب یونان باستان را تشکیل می‌دهند. اگر به خاطر این متون رزمی، بزمی و عاشقانه نمی بود اساساً تصور یک سنت مذهبی واحد برای یونان ممکن نبود. در این میان هومر^۲ و هسیود^۳ نقشی تعیین کننده داشتند. تعاریف و توصیفات ایشان از خدایان و عالم ماورای ماده به عنوان مرجعی برای دیگر متفکرین و ادبای یونانی مورد توجه قرار گرفت.

واژه "دین" در فرهنگ یونان مفهومی متفاوت با برداشت رایج از این واژه دارد. دین یونانی دینی شاعرانه، افسانه‌ای و مخلوق بشر است، و لذا خدایان این فرهنگ نیز چیزی نیستند مگر "انسانهای آرمانی" با عمر جاودانی. به عبارت ساده تر تصور انسان یونانی از قدرت مطلق، علم مطلق، زیبایی مطلق و... در قالب قدرتمندترین انسان، عالم ترین انسان و زیباترین انسان جلوه گر شد، و یونانیان این برترین انسانها را بر مسند خدایی نشانده‌اند. از این رو است که هنر دینی یونان کاملاً رنگ و بوی انسانی دارد؛ با ارزشهای انسانی محک زده می‌شود و با تکیه بر حواس ظاهری قابل لمس و درک است. "زیبایی" در هنر یونانی و مشتقات آن به راحتی حس می‌شود و قابل فهم است.

تلقی انسان محورانه یونانیان عاملی بود که در رشد قوه استدلال و تلاش در تغییر محیط اطراف و انطباق آن با نیازهای انسانی مؤثر واقع شد. از این لحاظ تفکر و هنر دنیامآبانه و دائماً در حال تغییر یونانی در مقابل نگرش ایستای مصری قرار می‌گیرد. در عصر فراغنه، جهان خدایان، با قوانین و اصول ثابت حکومتی - از طریق فرعونها که خود را به او منتسب می‌دانستند - زمین را اداره می‌کردند. ایستایی و ثبات دو هزار ساله در هنر و تفکر مصری ناشی از همین امر است. بر عکس در یونان که خدایانش زائیده ذوق هنری - ادبی انسانها بودند، این انسان بود که خود می‌بایست در امور زندگی و اداره حکومت تعقل نماید و آینده خویش را رقم زند. نشیب و فراز و تغییرات مدام نظام حکومتی در یونان، حاصل تجربیات متعددی است که در رسیدن به نوع زیست مطلوب اجتماعی در این تمدن صورت گرفته است. لذا عجیب نیست که بسیاری از الفاظ

Homer ۲

Hesiod ۳

رایج در وادی سیاست، قدمت چند هزار ساله داشته، و از یونان به ارث رسیده است. واژه‌هایی چون دموکراسی^۴ (حکومت ملی)، اتوکراسی^۵ (حکومت مستقل) و آریستوکراسی^۶ (حکومت اشرافی) همه یونانی هستند و حتی واژه مهم پولیتیک^۷ (سیاست) از ریشه یونانی "پولیس"^۸ به معنی دولت - شهر گرفته شده است.

حال با این مقدمه کوتاه به مبحث اصلی هنر اژه و یونان می پردازیم.

تمدن دریای اژه از حدود هزاره دوم ق.م همزمان با تمدن‌های مصر و میان رودان و با هنر مینوسی و میسنی آغاز و در دوره چهار صد ساله، میان ۱۱۰۰ تا ۷۰۰ ق.م بود که طی آن تمدن یونانی شکل گرفت. آثار به جامانده از تمدن مینوسی و میسنی در جزایر کرت و سیکلادی نشانگر شکوفایی این تمدن بوده در صورتیکه از سده های اولیه شکل گیری تمدن یونان آثار چندانی به جای نمانده است. اما از سده هشتم ق.م است که ما به آثار هنری ارزنده ای بر می خوریم و تاریخ مستند یونان هم از همین دوران، یعنی سال ۷۷۶ ق.م که سال تأسیس "بازیهای المپیک" است آغاز می شود.

برای سهولت در فراگیری تحولات هنری دریای اژه و یونان، سیر هنرها را در چند دوره مجزا می توان بررسی کرد. بدیهی است که این ادوار رابطه ای تنگاتنگ باهم دارند و این تقسیمات اعتباری است.

هنر اژه

تمدن سواحل و جزایر دریای اژه تقریباً همزمان با تمدن‌های میان رودان (بین النهرین) و مصر به ظهور رسید. این تمدن به عنوان پیشتاز نخستین تمدن اروپایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. جزیره کرت مرکز باستانی این تمدن به شمار می رود که جایگاهی به عنوان مسیر اصلی تجارت و بازرگانی دنیای کهن به شمار می آمد. شاید به دلیل ارزش جغرافیایی و ایجاد موقعیت دفاعی دریایی و همچنین انتقال اندیشه ها و آثار تبادلاتی عامل اصلی شکل گیری تمدنی بزرگ در این منطقه شده باشد.

هنر جزیره کرت به نام مینوس پادشاه به عنوان هنر مینوسی نام نهاده اند. مناطق میان جزیره کرت و یونان به عنوان هنر سیکلادی و فرهنگ میسنی در سرزمین اصلی یونان که به فرهنگ هلاسی نیز شهرت یافته نام گذاری کرده اند.

۴. Democracy

۵. Autocracy

۶. Aristocracy

۷. Politic

۸. Polis

۱- هنر مینوسی

هنر مینوسی را به سه دوره پیشین، میانه و جدید تقسیم بندی می کنند. دوره پیشین یا آغازین تمدن مینوسی دوره پیش از کاخها با نمونه های سفالینه و پیکره های پراکنده قابل شناخت است که به نظر می رسد تقلیدی از نمونه های مصری باشد. از مشهورترین این پیکره ها که به صورت نوازنده ظاهر شده پیکره چنگ نواز (شکل ۱-۲) می باشد.

دوره مینوسی میانه با ایجاد کاخهای کهن در حدود ۲۰۰۰ ق.م شناخته می شود که ظاهراً بر اثر زلزله از بین رفته اند. این کاخها ویژه پادشاهان بدون توجه به مقابر یا دژ ساخته شده و شهرهای پادشاهی گرداگرد آنها ساخته می شدند. از پیشرفت های فنی در این دوره تحول سفالگری در منطقه و کاربرد چرخ سفالگری است. این سفالینه ها با سبکی تزیینی و چند رنگ ساخته می شوند که بازتاب زندگی طبیعی آنان بوده که نقش عمده آنها طرح جانوارن دریایی است (شکل ۱-۳).



۱-۲. نوازنده چنگ، کروس (سیکلادی)، یونان (دریای اژه)، حدود ۲۵۰۰ - ۲۷۰۰ ق.م



۱-۳. کوزه با طرح هشت پا، کرت، یونان، حدود ۱۵۰۰ ق.م

هنر دوره مینوسی جدید که با ساخت کاخهای جدید در حد فاصل سالهای ۱۶۰۰ و ۱۵۰۰ ق.م و شاخص عصر طلائی تمدن کرت به شمار می رود آغاز می شود. بزرگترین کاخ به جای مانده کنوسوس (شکل ۴-۱) که در شیب تپه ایی کم ارتفاع در انتهای دشت حاصلخیزی بدون نقشه از پیش تعیین شده ای ساخته شده است.

در این کاخ نیز شاهد نقاشی های دیواری زیبایی بر زمینه گچی با موضوعاتی از زندگی روزمره کرتی (مسابقات گاو بازی، مراسم مذهبی و...) مظاهر طبیعت (پرندگان، چهارپایان، گلها) و جلوه های دریایی (دلفینها و جانداران دریایی و...) به تصویر کشیده شده اند (شکل ۵-۱). در این دوره هنر سفالگری نیز تحول یافت و با موضوعات سرزنده طبیعت همانند نقاشیهای دیواری تولید می شدند (شکل ۶-۱). از نمونه های بارز پیکر تراشی وجود پیکره های کوچک و سردیس هایی است که به نظر می رسد بازتاب عدم دین نظام مند و رسمی در منطقه باشد به چشم می خورد (شکل ۷-۱).



۱-۴. چشم انداز هوایی کاخ کنوسوس (کرت)، یونان، حدود ۱۴۰۰-۱۷۰۰ ق.م



۱-۵. گور سنگی، کرت، یونان، حدود ۱۴۰۰-۱۴۵۰ ق.م، سنگ آهک نقاشی شده



۱-۷. سردیس بت (ابوالهول)، میسن، یونان، حدود ۱۲۵۰-۱۳۰۰ ق.م، گچ نقاشی شده



۱-۶. کوزه نقش برجسته، کرت، یونان، حدود ۱۵۰۰ ق.م

۲- هنر میسنی

سرچشمه هنر میسنی احتمالاً با مهاجرت اقوام اولیه یونانی در اوایل هزاره دوم ق.م در جزایر اژه و مدیترانه و همزمان با تمدن جزیره کرت باشد. این تمدن به تمدن سرشار از طلا به نقل هومر شهرت یافت و دلیل آنرا علاقه میسنی‌ها به طلا و وجود گنجینه‌ها می دانستند. با نابود شدن تمدن کرت، میسنی‌ها برتری یافتند اما دیری نپائید که با مهاجرت دوریسی‌ها تمدن میسنی نیز از بین رفت و این مهاجرین جدید تمدن یونان را بنا نهادند هر چند از میراث هنر کرت و میسنی نیز برخوردار بودند. تحولات این دوران را می توان در نخستین منظومه‌های حماسی اروپا یعنی ایلیاد و اودیسه اثر هومر دید. میسنی‌ها توجه خاصی به دژ و پناهگاه‌های نظامی داشتند از اینرو آثار باشکوهی را ساختند که می توان به دژ میسنی (شکل ۸-۱) اشاره کرد که به ارک تیرینس شهرت دارد. این کاخ و دژ برخلاف کاخ کرت بر مبنای نقشه حساب شده‌ای ساخته شده است. از مشهورترین نمونه‌های کنده‌کاری این دوران دروازه شیران (شکل ۹-۱) است. مقابر میسنی‌ها حالتی لانه زنبوری داشته که در آنها مقادیر زیادی خنجر مفرغی مرصع شده با طلا و نقره کشف شده است.



۸-۱ چشم انداز هوایی دژ تیرینس، یونان، حدود ۱۲۰۰-۱۴۰۰ ق.م



۹-۱ دروازه شیران، میسن، یونان، حدود ۱۲۵۰-۱۳۰۰ ق.م

از دیگر یافته‌ها در مقابر چندین نقاب چکش کاری شده است (شکل ۱-۱۰) که به احتمال ویژگیهای
چهره شخص متوفی را با حالتی واقع‌گرایانه ثبت کرده است.

فرهنگ طلایی میسن را شاهکارهای پر ارزشی چون جام‌های مشهور وافیو (شکل ۱-۱۱)
می‌سازد. از نمونه‌های سفالگری این دوران ظرف جنگاوران (شکل ۱-۱۲) است که تفاوت آشکاری
با آثار مینوسی دارد.

اما سرانجام در سال ۱۲۰۰ ق.م. تمدن میسنی به دست دوری‌ها (دوریسی‌ها) که دارای سلاحهای آهنی
بودند سقوط کرد و دوران "عصر ظلمت" چند صد ساله‌ای در پی انهدام فرهنگ اژه‌ای آغاز شد.



۱-۱۰. نقاب متوفی، میسن، یونان، حدود ۱۵۰۰-۱۶۰۰ ق.م، طلا



۱-۱۲. ظرف جنگاوران، میسن، حدود ۱۲۰۰ ق. م.



۱-۱۱. جام واقیو، میسن، یونان، حدود ۱۵۰۰ ق. م، طلا با نقوش برجسته

هنر یونان :

۱- هنر دوره هندسی

این دوره تا سال حدود ۷۰۰ ق. م. رواج داشت. اصلی ترین تجلیات هنری این دوره در شکل ظروف سفالین با "نقوش هندسی" و پیکره های مفرغی ساده و اولیه ظاهر گشته است. این دوره با استفاده از اشکال ساده هندسی چون مربع، مستطیل، لوزی، دایره و سطوح شطرنجی، زیگزاگ و... آغاز شد. در هنر این دوره رفته رفته تصاویر انسانی نیز ظاهر گشت که این تصاویر ویژگی هندسی داشتند و اغلب از اشکال خلاصه شده هندسی پدید آمده بودند. از اینرو به واسطه استفاده از طرحهایی هندسی این عصر را "دوره هندسی" نام نهادند. ساخت گلدانها و سفالینه ها از همان دوران شکل گیری تمدن یونان (۱۱۰۰ تا ۷۰۰ ق. م.) رواج داشته است. اولین آثار به جای مانده از این دوران به سده های ۹ و ۸ ق. م. مربوط می شود. در شکل ۱-۱۳ یکی از ظروف زیبایی اواسط سده ۸ ق. م. رامی بینید که کل سطح ظرف با نقوش هندسی متنوعی به صورت نوارهای متعدد افقی پوشیده شده است. بر سینۀ این کوزه، در ردیف دسته ها تصاویر انسانی دیده می شود که در حال تشییع جنازه و عزاداری هستند. نقش انسانها نیز با استفاده از سطوح ساده و هندسی ترسیم شده است.

در اینجا لازم است بدانیم که اکثر کوزه های بزرگ از این گونه ، کاربرد مذهبی داشته و در مراسم تدفین بکار می رفته است . کف کوزه در ناحیه پایه دارای سوراخهای متعددی است و در این ظروف روغن یا شربت می ریختند و آن را بر روی قبر متوفی قرار می دادند تا درجهان مرگ از آن تغذیه کند . منطقه آتیکا^{۱۰} به لحاظ ساخت بهترین کوزه ها و زیبا ترین نقوش شهرت دارد . از نمونه های تندیس سازی این دوران وجود تندیسهای کوچک و غالباً از جنس مفرغ و گل هستند که جانورانی همچون گاو ، اسب و انسان را به صورتهای نمادین و اسطوره‌ای مجسم کرده‌اند . این آثار به معابد ، پرستشگاهها و گورستانها پیش کش می شدند (شکل ۱۴-۱).



۱-۱۴ . پیکره مفرغی با طرح جانوری ، یونان ، حدود سده ۹ یا ۸ ق . م



۱-۱۳ . کوزه دیپلون ، آتن ، یونان ، ۷۵۰ ق . م

Attica-۱۰

۲- هنر دوره کهن

این دوره با ارتباط و تأثیر پذیری یونان از هنر مصر، خاورمیانه و گرایشات شرقی در حدود سده هفتم ق.م آغاز و نوع ایستادن آیینی رایج در هنر مصری در پیکره های یونانی ظاهر می شود. تزئینات پیچیده گیسوان و لبخندهای قراردادی و مصنوعی از ویژگیهای چهره پردازی این دوره می باشد که به لبخند کهن وش شهرت یافته است (شکل ۱۵-۱).

هنر پیکر تراشی در اواخر دوره کهن به مرتبه بالایی از دانش فنی ارتقاء یافت. دوشیوه رایج در نقوش ظروف سفالین (۱- نقش سیاهگون: که در آن نقش و طرح بر روی زمینه سیاهرنگ با خطوط نازک حک می شد. ۲- نقش سرخگون: که در آن نقوش و طرح مورد نظر را با خطوط سایه روشن تیره روی زمینه و متن قرمز سفال ترسیم می کردند) نیز حاصل همین دوره است (شکل ۱۶- ۱).

در این دوره همچنین اشکال آزادتر و خلاقانه تر ظروف با نقوش متنوع ایجاد می شود. گرچه وجود ذهن منضبط را در پس نقوش حساب شده و زیبایی ظروف می توان تشخیص داد ولی قالب خشک هندسی بر نقوش حاکمیت تام ندارد. نقوش جانوران، انسانها و موجودات اساطیری رفته رفته بر روی بدنه ظروف ظاهر می شوند. تنوع موضوعات و نقوش به حدی است که این ظروف را از وادی وسایل کاربردی و صنایع دستی به مرتبه هنرهای تجسمی و نقاشی کشانده است. با مطالعه نقوش این ظروف می توان به طرح و نقش لباسهای مردان، زنان، جنگجویان و شیوه آرایش سر و چهره و تزئینات مختلف پی برد.

در شکل ۱۷-۱ کوزه تک دست زیبایی را که به اواخر سده هشتم یا اوایل سده هفتم قبل از میلاد مربوط است می بینیم. سر و گردن کوزه جانوری افسانه ای مرکب از شیر و عقاب^{۱۱} را نشان می دهد. درگردن کوزه از عناصر تزئینی هندسی استفاده شده لیکن با خط منحنی عمودی - که حاشیه یال جانور را مشخص کرده - به پدیده ای زنده و متحرک تبدیل شده است. در بخش کره ای



۱-۱۵ دختر جوان پهلوس، آکروپولیس، آتن، یونان، حدود ۵۳۰ ق.م

(بدنه کوزه) نقوش هندسی متشکل از خطوط وسطوح راست، مورب و منحنی دیده می‌شوند. گرچه مبانی هندسی نقشها کاملاً آشکار است لیکن آزادی، نوآوری و ایجاد تضاد میان سطوح تیره و روشن، خطوط مستقیم و نقوش موج، حرکت‌های افقی و عمودی همگی به کمک هم طرحی را پدید آورده‌اند که در عین هندسی بودن از یک نواختی دور است و جذابیت بصری دارد.

اگر به طیف آثار متنوع در شکلها و طرحهای مختلف نظر کنیم به سبکهای فردی بر می‌خوریم، که ناشی از اهمیت "فرد" در تمدن یونان است. در هیچ تمدن دیگری این چنین تأکید جدی بر "فردیت هنرمند" دیده نمی‌شود. فردیت به حدی در تمدن یونانی اهمیت داشته که ما امضای هنرمندان را نه تنها در زیر مجسمه‌ها و آثار معماری، بلکه بر روی کوزه‌ها، گلدانها و دیگر ظروف سفالین هم می‌بینیم.



۱۶-۱. دو ظرف نقاشی شده سرخگون و سیاهگون، آندوکیدس، اورویتو، ایتالیا، حدود ۵۲۰ - ۵۲۵ ق. م



۱۷-۱. کوزه تک دسته با سر شیر -
عقاب، آبگینیا، اواخر سده ۸ و اوایل
سده ۷ ق. م.

شکل ۱۸-۱ نمونه دیگری از ذوق و مهارت سفالگران نقاش یونان است. این پیاله دو دسته زیبا اثر گزنوکلس^{۱۲} نقاش است و در اوسط سده ۶ ق.م ساخته شده است. هنرمند، خلاقیت خود را در داخل پیاله نیز بکار برده است.

در شکل ۱۹-۱ نقش داخل پیاله را می بینیم که صحنه مبارزه هراکلس (هرکول): پهلوان اساطیری یونان) و تریتون (خدای دریا) است. بر دیواره داخلی پیاله بر گرد صحنه نبرد، الهه های دریایی را در حال رقص و پایکوبی می بینیم. صحنه نبرد با چهار دایره از فضای کناری جدا شده است اما در نقاط آرنج و پای هراکلس (هرکول) و یا دم تریتون از محدوده دایره ها بیرون زده و به حرکت نقوش افزوده است. نقوش سطح بیرونی پیاله، برعکس داخل اثر بسیار ساده و ریتمیک است. انحناى محدب بخش گود با مختصرانحنای مقعر دیواره فوقانی ترکیبی دلپذیر بوجود آورده و دسته های باز و وسیع ظرف تأکیدی بر نیروی کشش افقی این اثر است که با حرکت ارابه ران هماهنگی مطلوبی دارد.

نکته دیگری که در مورد نقش و لعاب ظروف یونانی در این دوره حائز اهمیت است اینکه اکثر سفالهای اولیه دارای زمینه ای سرخ رنگ بوده اند. آنگاه سطح نقوش هندسی و تصاویر زنده با لعابی سیاه رنگ روی این زمینه سرخ ایجاد می گشته و سپس جزئیات طرح انسان یا جانور با



۱۹-۱ داخل پیاله دو دسته، گزنوکلس



۱۸-۱ پیاله دو دسته، گزنوکلس، ایتالیا، ۵۵۰ ق.م

نوک سوزن روی این سطح نقش می‌شده است. این روش در عین دشوار بودن، در اجرا نیز مانع از پرداختن دقیق به جزئیات می‌شد. برای رفع این اشکال شیوه مطلوبتری به کار گرفته شد. در این روش جدید کل سطح ظرف بجز بخشهایی که قرار بود نقش داشته باشد با لعاب سیاه‌رنگ پوشیده می‌شد. آنگاه هنرمند با دقت و آزادی می‌توانست با قلم مو یا هر وسیله دیگر به جزئیات تصویر بپردازد. به شکل ۱۹-۱ نگاه کنید و جزئیات تصاویر وسط پیاله را که بر روی سطح سیاه حکاکی شده با تصاویر ۲۰-۱ و ۲۱-۱ مقایسه کنید. می‌بینید که این دو تصویر با جزئیات دقیق‌تر و ظرافت بیشتر ترسیم شده‌اند که نتیجه استفاده از روش جدید است.

لازم است بدانیم که زیبایی و تنوع موجود در آثار هنری یونان را نمی‌توان صرفاً به نبوغ یک قوم نسبت داد. شرایط جغرافیایی خاص یونان و ارتباط اقوام مختلف در جنوب ایتالیا، جزیره سیسیلی و مردم آسیای صغیر و حاشیه دریای اژه همه دست به دست هم دادند و هویت متنوع



۱-۲۰ سفالینه‌های سیاه



۱-۲۱ سفالینه‌های قرمز

هنریونانی را تشکیل دادند. ضمناً نقوشی با هویت هندسی صرف در دوره هنر هندسی تبدیل به تصویر موجودات زنده و صحنه های جنگ و نزاع دوران باستان می شود که می توان در آنها تأثیر عناصر هنری میان رودان (بین النهرین) و مصر را بوضوح مشاهده کرد. چرا که ظروف یونانی معرف نقاشی کهن این تمدن نیز می باشند (شکل ۲۲-۱).



۲۲-۱ ظرف دیپلون، آتن، یونان، حدود ۷۴۰ ق. م.

از اواسط سده ۷ ق. م. ساخت تندیس‌های کوچک انسانی آغاز شد و با گذشت زمان دانش مجسمه و پیکره سازی، آگاهی از کالبد شناسی و رشد دیدگاه‌های زیبایی شناسی هنری موجب ظهور آثاری زیباتر، دقیق تر و بزرگتر شد. در اشکال ۱-۲۳ و ۱-۲۴ دقت کنید. شکل ۱-۲۳ پیکره ای مفرغی است به ارتفاع ۱۸/۵ سانتیمتر که مردی را در حال حمل یک قوچ نشان می دهد. به تقسیم بندیها و خطوط روی بدن توجه کنید. نسبت اعضای بدن، حالت ایستادن و طرز به دوش کشیدن کاملاً صحیح بوده و تناسب در آن رعایت شده است ولی می توان تأثیر روش هندسی را در تقسیم بندیهای بدن و رعایت تقارن مشاهده کرد. این پیکره در اواسط سده هفتم ق. م یعنی در ایام رواج روش هندسی ساخته شده است. نزدیک به یک قرن بعد پیکره دیگری با همان موضوع از جنس مرمر ساخته شد (شکل ۱-۲۴). به حرکت دست و بازو و نوع پیچش گوساله بر شانه ها و دور سر مرد نگاه کنید. در این اثر حرکت، حیات و دانش بیشتری نسبت به کالبد شناسی انسان و جانور دیده می شود. پیکره مفرغی (شکل ۱-۲۳) و آثاری از این گونه از پیکره های دوره انتقال از "شیوه هندسی" به "دوره باستان یا کهن" می باشند.



۱-۲۴ مردی با گوساله، آکروپولیس، آتن، یونان، حدود ۵۶۰ ق. م، مرمر



۱-۲۳ پیکره مفرغی، یونان، سده ۷ ق. م

پیکر تراشی یونان از بسیاری جهات متأثر از هنر پیکر تراشی شرقی و مصری هستند. در پیکره های یونانی به تعدادی مجسمه های ایستاده از مردان جوان عریان بر می خوریم. شیوه ایستادن این مردان دقیقاً از نوع ایستادن پیکره های یادبود مصری تأثیر پذیرفته اند. در اکثر آنها بدن به طور استوار و باوقار بدون پیچ و خم در حالیکه به روبرو می نگرند، پای چپ کمی جلو و دستها به حالت مشت تقریباً به دو سوی رانها چسبیده اند.

با وجود این تشابهات، هنر پیکر تراشی یونانی راه متفاوتی را در پیش گرفت. بدین معنی که انگیزه ساخت تندیسهای مصری بازسازی شخصیت فرعون به عنوان یک موجود خاص با هویت خدایی بود. در حالیکه در دیدگاه یونانی این تندیسها معرف کمال زیبایی مادی و انسانی است. به همین لحاظ است که در ادوار بعدی دقت و عنایت به پیچیدگی ماهیچه ها و حرکات بدن، آثاری بدیع در هنر یونان پدید می آورد که دارای شخصیتی مستقل از هنر مصری و دیگر هنرهای شرقی است.

از اواخر سده ششم تا اواسط سده پنجم ق.م به تعدادی پیکره حیوانات بر می خوریم که به نظرمی رسد آنها نیز تحت تأثیر فرهنگهای شرقی و مصری ساخته شده باشند. تندیس برخی جانوران به عنوان یک عنصر تزئینی معماری در کنار یا بر روی آبچکانها و ناودانهای کنج بامها استفاده شده است (شکل ۲۵-۱).



۱-۲۵ سر قوچ، معبد الیوسیس، اواخر دوره کهن، حدود سده ۵ ق.م.

بد نیست بدانیم که دوره باستان یا کهن به جز تندیس های مرمین ، پیکره هایی نیز از سفال و سنگ های متخلخل ساخته می شد. این سنگ ها سطحی ناصاف دارند، از اینرو پیکره های ساخته شده از این سنگ ها چندان چشم نواز نیستند. برای رفع این نقیصه ، یونانیان به "رنگ" متوسل شدند. تندیسهای رنگ شده سنگی و سفالی نیز بخشی از سنت مجسمه و پیکره سازی این عهد را تشکیل می دهند. استفاده گاه و بیگاه از رنگ ، در پیکره های مرمین نیز به عنوان تزئین لباس و موی سر و ... رواج داشته است (شکل ۲۶-۱).

در این دوره بنیان های اصلی معماری یونانی شکل گرفت. از اینرو معماری یونان را می توان با سه ویژگی توصیف کرد:

۱. پلکان (در ناحیه بیرونی و جلویی بنا)

۲. ستونها

۳. اسپر (بخشی که برفراز ستونها قرار دارد و شامل کتیبه و طره است.)

از میان عناصر فوق، ستون، اصلی ترین عنصر معماری یونانی است چرا که نه تنها وظیفه به دوش کشیدن بار را (به جای دیوار) به عهده دارد بلکه از اصلی ترین عناصر بصری و تزئینی بنا نیز به شمار می رود. به همین جهت است که نامگذاری نظام یا سبک معماری یونانی بر اساس نام ستونهای مربوطه است. در میان ستونهای مختلف معماری یونانی دو شیوه اصلی از همه بارزتر هستند:

الف: شیوه دوریسی^{۱۳}

ب: شیوه ایونایی^{۱۴}

الف: شیوه دوریسی: منتسب به ناحیه دوریس واقع در مرکز خاک یونان است. استفاده از ستونهای دوریسی از ۶۳۰ ق. م رواج یافت. ستونهای دوریسی، ساده و کم پیرایه هستند و در آثار معروفی چون معبد زئوس در المپیا و معبد پارتنون در آکروپولیس آتن بکار رفته اند (شکل ۲۷-۱).

سر ستونهای شیوه دوریسی قطور و مدور با شیارهای عمودی هستند. این ستونها در قسمت بالا به پیشانی ساده و کم نقشی ختم می شوند. برفراز این پیشانی کتیبه ای قرار دارد که توسط بخشهای مستطیل شکل با شیارهای موازی (که ریتم و ضرب آهنگ ستونها را تأکید می کند) به سطوح چهار گوش تقسیم می شوند. قرار گرفتن متناوب این سطوح کنار هم در کتیبه بنا، چون عنصری تزئینی و چشم نواز، یک نواختی را در کتیبه جبران می کند.



۱-۲۶. دختر جوان ، آکروپولیس ، یونان ، حدود ۵۱۰ ق.م ، مرمر رنگ شده

Doric.۱۳
Ionian.۱۴



۲۷-۱. معبد پارتنون، آکروپولیس، آتن، یونان، ۴۳۸-۴۴۷ ق.م

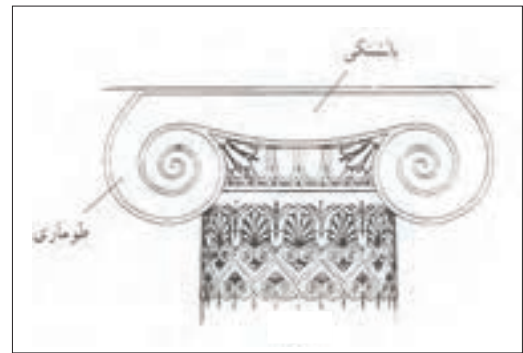
ب : شیوه ایونیاپی : منتسب به سرزمین ایونیه واقع در ساحل غربی آسیای صغیر است . در ستون های ایونیاپی عناصر تزئینی بیشتری حضور دارند . خصوصاً بخش "طوماری" و بالشتکی سرستونها به یکباره هویت بصری بنا را دگرگون می کند (شکل ۲۸-۱).

تغییر ضخامت در این ستونها کمتر از ستونهای دوریسی است و بیرون نشستگی طوماری سرستونها را یکدست تر نشان می دهد(شکل ۲۹-۱).

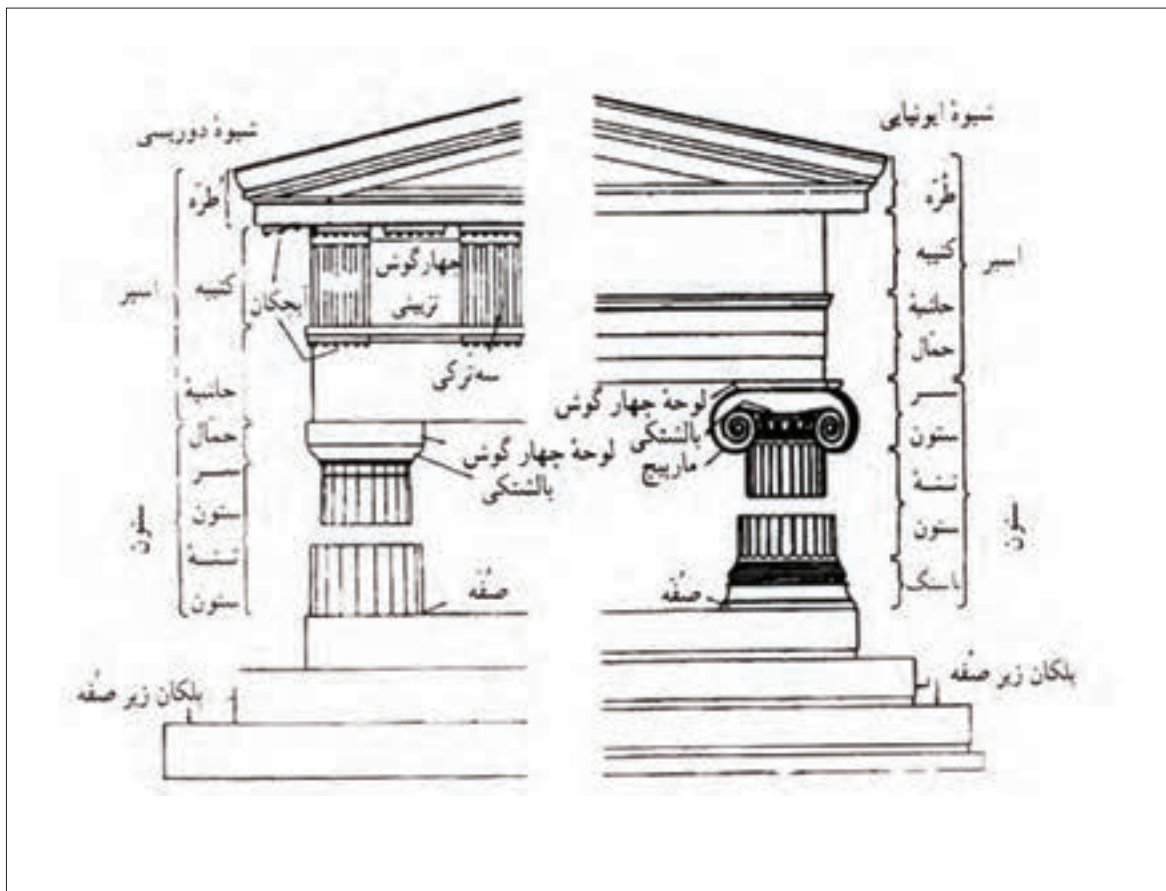
کلاً ستون های ایونیاپی باریک تر و بلندتر از ستون دوریسی هستند . این ستونها به سبب زیبایی و ظرافت بزودی مقبولیت عام یافتند و هم اکنون نیز در ساخت بناهای کلاسیک به کار می روند.



۱-۲۸- ب. معبد ارختنوم، آکروپولیس، آتن، یونان، حدود ۴۰۵ - ۴۲۱ ق.م



۱-۲۸- الف. طرح سرستون طوماری



۱-۲۹. طرح سرستون های شیوه ایونیاپی و دوریسی

۳. هنر دوره کلاسیک

دوره کلاسیک عصر قوام پیکر سازی و اوج گیری معماری و ظهور فلسفه در یونان است. استفاده جدی از تندیسها به عنوان عناصر اصلی تزئینی در بنا و بهره گیری از ستونهای زیبا و عظیم معماری یونان را به اوج می رساند به طوریکه تأثیرات وسیع آن را در ادوار بعد و در ممالک غرب شاهد هستیم. در دوره کلاسیک، دانش کالبد شناسی در طیف بیشتری از اشکال آزاد بکار می رود از این رو شاهد تنوع بیشتری از حرکات و موضوعات در این هنر هستیم.

در این دوره پیکره ها به طور گسترده خود را از اصول و قراردادهای رایج رها می کنند و هنرمندان که در این زمان تجربیات پر بار پیشینیان خود را دارند و با دانش غنی خود به خلق آثار بدیع می پردازند. همچنین در این دوره شاهد استفاده جدی از تندیسها به عنوان عناصر تزئینی بنا هستیم. پیکره های موجود در طره معبد زئوس در المپیا که بین ۴۶۰ تا ۴۵۶ ق. م بنا شده اند نمونه بارز این آثار ارزنده به شمار می روند (شکل ۱-۳۰).



۱-۳۰. پیکره های سنتوری معبد زئوس، المپیا، یونان، حدود ۴۵۶-۴۷۰ ق. م، مرمر

استفاده از پیکره ها به عنوان بخشی از ستون نیز در هنر معماری و پیکره سازی یونانی رواج خاصی داشت. ستونهای ایوان ارختئوم در آکروپولیس آتن نمونه های خوبی از یگانگی موفق معماری و پیکرتراشی است (شکل ۱-۳۱).

از مهم ترین آثار دوره کلاسیک ساخت مجموعه آکروپولیس در آتن است. این مجموعه که از سال ۴۷۷ ق.م تا سال ۴۰۴ ق.م ساخته شده شامل معبد پارتنون، دروازه ورودی موسوم به پروپالایا، معبد کوچک آتنا و معبد ارختئوم می شود. معبد پارتنون نخستین و بزرگترین بنای مجموعه است که توسط ایکتینوس و کالیکراتس ساخته شد و پیکره های تزئینی آن به سرپرستی فید یاس از بزرگترین پیکر تراشان یونانی ساخته شده و بنایی دور ستونی است. دروازه ورودی یا پروپالایا از بناهای باشکوه ولی ناتمام است و شامل یک کتابخانه و نخستین تالار نقاشی یا نگارخانه است و معبد کوچک و زیبای آتنا، الهه پیروزی به شیوه یونیک می باشد و اولین نمونه از این شیوه در یونان است. معبد ارختئوم با نقشه ای منحصر به فرد و دارای رواقهایی به شکل پیکره انسان (دوشیزگان ارختئوم) است (شکل ۳۲-۱).



۱-۳۱. ستون کاریاتید معبد ارختئوم، آکروپولیس، آتن، یونان حدود ۴۰۵ - ۴۲۱ ق.م، مرمر



۱-۳۲. چشم انداز هوایی آکروپولیس، آتن، یونان

۴. هنر دوره هلنی

این دوره از زمان مرگ اسکندر مقدونی (۳۲۳ ق.م) یا مرگ ارسطو (۳۲۲ ق.م) آغاز و تا صدر مسیحیت به "دوره هلنی" شهرت دارد. در این دوره وسعت سرزمینهای تحت نفوذ یونان موجب تنوعاتی می گردد هر چند شکل مستقل و عمیق دوره کلاسیک را هم دارا می باشد. الگوهای جدید معماری با ستونهای کورنتی همراه با تزیینات برگ کنگری (شکل ۳۳-۱) و تأکید بر احساسات و عواطف انسانی و فردگرایی در هویت تندیسها از ویژگی هنر معماری و پیکر سازی این دوره است. موضوعات روزمره و مناظر عامیانه از خصایلی است که در این عهد ظاهری می شوند. از اوایل سده چهارم ق.م تحولاتی در هنر پیکرتراشی رخ داد که از قانونمندی مشخصی پیروی نمی کند، از این رو نمی توان نام خاصی بر آن نهاد. از اواخر سده چهارم با گسترش فرهنگ



۱-۳۳ سرستون کورنتی، بنای تولوس اپیداروس، یونان، حدود ۳۵۰ ق.م

یونانی در مناطق و سرزمینهای شرقی، سنتی آغاز گردید که به "سنت هلنی" شهرت دارد. در هنر دوره هلنی شباهت های فردی اهمیتی بسزا می یابد و در عین حال تأکید به کمال زیبایی جسمانی حفظ می شود و اسلوب پرداختن به جامه و چین های پارچه به صورت پیچیده تری نمایان می گردد. در شکل ۳۴-۱ پیکره ترکیبی آزاد، واقعگرا و سرشار از آگاهی را مشاهده می کنیم. افتادگی عضلات، حالت متفکرانه ی صورت، حرکت آزاد و متناسب دست که با کلیت بدن هماهنگی مطلوبی دارد همراه با افت و کشش طبیعی تن پوش بسیار استادانه ساخته شده است.

در این دوره به آثاری نیز برمی خوریم که از لحاظ موضوعی با آثار رایج یونانی قدری تفاوت دارد. شکل ۳۵-۱ مردی از قوم گل را در حال مرگ نشان می دهد، قومی که در دوره ای با یونانیان به جنگ

پرداختند ولی شکست خوردند. ساختمان چهره، ژولیدگی موهای زبر و طوق دور گردن این مرد (که از علایم اختصاصی نژاد سلط است) تفاوت ظاهری او را از یونانیان مشخص می کند اما از لحاظ برهنگی قهرمان گونه‌گی و کمال جسمانی چیزی از پیکره خدایان یونانی کم ندارد، به طوریکه می توان همان وقار و بزرگ منشی را در وجود این فرو افتاده در حال مرگ نیز مشاهده کرد. هنریونان باستان بعدها به تمدن روم به ارث رسید. روم نیز این امانت را به پهنه گسترده فرهنگ‌ها و سرزمین‌های غرب گسترش داد. همین انتقال است که موجب گردید به رغم اندک بودن آثار سالم در معماری و پیکرتراشی، فرهنگ و هنر یونانی نمیرد و روح پویای خود را در کالبد سنتهای هنری متأخر حفظ نماید.



۱-۳۴. پیکره دموستنس ،
پولیوکتوس ، حدود ۲۸۰
ق.م ، مرمر



۱-۳۵. بزرگ‌نمایی از اثر مردی از ناحیه گل ، پرگامون ، ترکیه ، حدود ۲۲۰ - ۲۳۰ ق.م ، مرمر

پرسش:

- ۱- چه چیزی باعث به وجود آمدن آثار شعری حماسی-اسطوره ای در یونان باستان شد؟
- ۲- مفهوم دین در یونان باستان را توضیح دهید.
- ۳- هنر اژه همزمان با چه تمدن هایی بوجود آمد؟ و از چه نظر دارای اهمیت است؟
- ۴- تأثیر هنر مصر در چه دوره هایی از هنر یونان قابل مشاهده است؟ توضیح دهید.
- ۵- چرخ سفالگری در تمدن اژه و یونان از چه دوره ای به کار گرفته شد؟ خصوصیات سفال این دوران را ذکر کنید.
- ۶- تمدن " سرشار از طلا" به چه تمدنی اطلاق می شود؟ ویژگی های این تمدن را ذکر کنید.
- ۷- اصلی ترین تجلیات هنری دوره هندسی یونان در چه آثاری مشاهده می شود؟
- ۸- یکی از نخستین نمونه های معماری دوره هندسی را نام برده و خصوصیات آن را توضیح دهید.
- ۹- پیکره ها در دوره کهن یونان دارای چه خصوصیتی هستند؟
- ۱۰- نقوش سرخگون و سیاهگون در چه دوره ای رایج شد؟ ویژگی آنها را توضیح دهید.
- ۱۱- در مورد علت های ممکن، برای امضادار بودن آثار هنری یونان در مقایسه با هنر مصر و ایران در کلاس گفتگو کنید.
- ۱۲- عناصر اصلی معماری یونانی را نام برده و در مورد اصلی ترین عنصر توضیح دهید.
- ۱۳- در معبد پارتنون و زئوس چه شیوه ای به کار رفته است؟ این شیوه را توضیح دهید.
- ۱۴- مجموعه آکروپولیس در چه دوره ای ساخته شد؟ و شامل چه بناهایی می باشد.
- ۱۵- ویژگی هنر پیکره سازی و معماری دوره هلنی را توضیح دهید.

فصل دوم

هنر اتروسک و روم



اتروسک‌ها (اتروریا) سده هشتم یا هفتم ق.م. تا حدود ۵۱۰ ق.م.

رومی‌ها

الف: دوره جمهوری حدود ۵۱۰ ق.م. تا ۲۷ ق.م.

ب: دوره امپراتوری ۲۷ ق.م. تا سده سوم میلادی (۲۸۴م)

THE ROMAN WORLD





فصل دوم

اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- آثار ریخته گری و اهمیت آن را در تمدن اتروسک شرح دهد.
- ۲- تغییرات پیکره سازی در تمدن و هنر اتروسک و روم را توصیف نماید.
- ۳- ویژگی های شاخص کولوسئوم را ذکر کند.
- ۴- علل تحولات روم را توضیح دهد.
- ۵- هنر و تمدن روم را شرح دهد.

هنر اتروسک و روم

هنر اتروسک و روم از سده های هشتم و هفتم ق.م تا دوران پذیرش مسیحیت را تحت تأثیر هنر و فرهنگ یونانی و حاصل تأثیرات عناصر و منابع بیرونی و داخلی سرزمین ایتالیا می دانند. هرچند هنر رومی وارث کلیه فرهنگ های پیشین منطقه مدیترانه است اما در کل با هنر یونانی نیز متفاوت است . بنابراین سرزمین روم به لحاظ گستردگی و شکوفایی خود نقش بزرگی در انتقال تمدن به اروپای غربی داشته و به موازات تاریخ یونان پیش می رود .

۱- اتروسک (اتروریا)

اتروسک‌ها مهاجرینی از سرزمین‌های یونانی بودند که در سده‌های هشتم یا هفتم قبل از میلاد در محدوده جغرافیایی بین شهرهای فلورانس و رم ساکن شدند و تمدن ایتالیای جنوبی را شکل دادند. این مردمان از زندگی روستایی دست برداشتند و به تمدن شهری روی آوردند و توانستند شهرهای مستحکمی را بر فراز تپه‌ها بسازند. این مردمان در سده ششم ق.م بیشتر نواحی شمالی و مرکزی ایتالیا را با دژهای نیرومندی بر فراز شهرهای خود، زیر فرمان داشتند هر چند که این شهرها با یکدیگر متحد نشدند تا کشور یگانه‌ای را تشکیل دهند ولی دارای حالتی همزیستی بودند و در دوره‌های مختلف رونق یافته یا منهدم می‌شدند. این عدم وحدت‌گرایی در شهرهای اتروسکی باعث شد که به راحتی توسط رومی‌ها نابود شوند.

از آثار هنری اتروسک‌ها به دلیل ویران شدن توسط رومی‌ها اطلاع چندانی وجود ندارد اما با وجود این ویران‌سازی‌ها نمونه‌هایی در دست است که می‌تواند بیانگر هنر آنان باشد. نمونه‌های به جای مانده نشان می‌دهد که اتروسک‌ها از طاق سنگی استفاده می‌کردند که رومی‌ها بعدها نیز بکار می‌بردند. همچنین اتاقک‌های تدفینی در درون خانه‌ها به شکل مستطیل ساده‌ای با سقف شیبدار می‌ساختند. معبد اتروسک‌ها بر پایه بلندی به نام پودیوم قرار داشت که تنها از یک طرف پله می‌خورد (شکل ۱-۲).



۱-۲. الگوی معبد اتروسک، سده ۶ ق.م، بر مبنای توصیف ویتروویوس (معمار رومی سده اول میلادی)

اتروسک ها گورستان‌های خود را در مناطق خارج از شهر می‌ساختند که به عنوان شهر مردگان (نکروپولیس) شهرت داشت (شکل ۲-۲). بر دیوار اتاقک‌های تدفین زیرزمینی نقاشی‌های زنده و خوش‌رنگی تزئین می‌کردند که معمولاً از افسانه‌های یونانی اقتباس شده بودند (شکل ۲-۳ الف و ب). در همین اتاقک‌های تدفین و در مقبره‌ها اسباب و اثاثیه قابل توجهی از جنس گِل، مفرغ و سنگ به صورت پیکره برجا مانده است که به عنوان خاکستران‌های مردگان استفاده می‌شده و تلاش می‌کردند که به روش قالبگیری و کنده‌کاری چهره‌ای شبیه به متوفی ساخته شود. از اینرو تأکید بر فردیت شخصی متوفی از مشخصه‌های هنرمند اتروسک است (شکل ۲-۴).



۲-۲ چشم‌انداز شهر مردگان (نکروپولیس)، سروتی، ایتالیا، سده‌های ۷ تا ۲ ق.م



۲-۳ الف: درون مقبره با نقش برجسته، سروتی، ایتالیا، سده سوم ق.م



۲-۳: ضیافت و موسیقی، بخشی از نقاشی دیواری مقبره لئونارد، تارکوئینی، ایتالیا، حدود ۴۷۰-۴۸۰ ق.م



۲-۴: تابوت سنگی، تارکوئینی، ایتالیا، اوایل سده دوم ق.م

از نمونه‌های ریخته‌گری مفرغ و مشهورترین نمونه پیکره جانوری ماده گرگ کاپیتول (شکل ۵-۲) است که شهرتش نه به لحاظ قدمت و شکوه بلکه به عنوان اثری هنری و نماد شهری به جای مانده است.



۲-۵ گرگ کاپیتول، رم، ایتالیا، حدود ۴۸۰-۵۰۰ ق.م، مفرغ

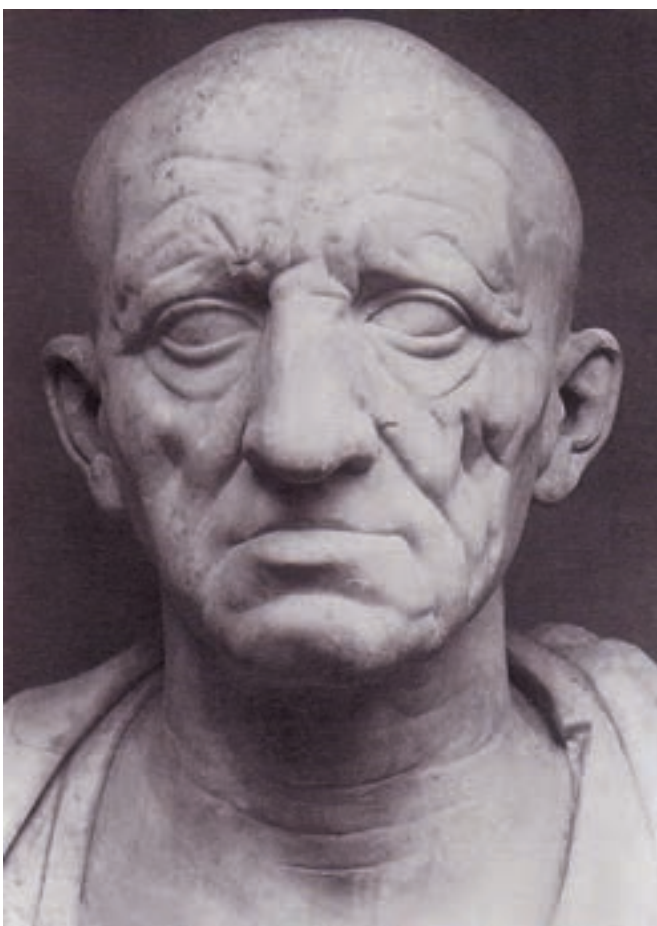
۲- روم

رومی‌ها توانستند با نیروی نظامی قوی خود بر ایتالیا حاکم و حکومتی متحد را پدیدآورند و سیطره حکومتی خود را در بخش‌های بسیاری گسترش دهند. هنر رومی در آغاز تحت تأثیر هنر اتروسکی و هنر یونانی بود اما توانست صفات متمایزی را ایجاد کند و به شیوه‌ای آگاهانه در دوره‌های مختلف جمهوری و امپراتوری تبدیل سازد.

الف: دوره جمهوری: این دوره پس از اخراج آخرین حاکمان

اتروسک از سده پنجم ق.م. تا زوال جمهوری و قتل سزار در سال ۴۴ و به قدرت رسیدن آگوستوس در سال ۲۷ ق.م ادامه می‌یابد. در همین دوران هنر رومی با مشخصه‌های متفاوت تأثیر سبک هلنی (یونانی‌گری) به ظهور رسید و در سال ۱۴۶ ق.م یونان به عنوان یکی از ایالات رومی درآمد و سبک هنری یونانی- رومی پدید آمد. همچنین در این دوره به لحاظ تمایلات یونانی حدود ابتدا ۲۸۵ تندیس مفرغی و ۳۰ تندیس مرمیرین و بعد از آن ۵۰۰ تندیس مفرغی دیگر از یونان به روم انتقال یافت و به لحاظ کم شدن پیکره‌های یونانی توجه به ساخت پیکره‌های نسخه‌برداری شده از آثار یونانی رو به فزونی یافت. مهمترین خصوصیت پیکره‌سازی در این دوره شبیه‌سازی از چهره بود که نمونه‌ای مشابه آن در هنر یونانی وجود نداشت (شکل ۶-۲).

همچنین به غیر از تجلی چشمگیر شبیه‌سازی واقع‌گرایانه در پیکره‌سازی تحولی عظیم نیز در عرصه معماری به ظهور رسید.



۲-۶ سردیس سیاستمدار رومی، اوتریکولی، ایتالیا، حدود ۵۰-۷۵ ق.م، مرمیر

این تحول ابتدا در معبد فورتانا (شکل ۷-۲) در شهر رم مربوط به اواخر سده دوم ق. م با الهام از معبد دور ستونی یونیک شکل گرفت که بر سکوی معماری اتروسک ساخته شده است. ولی تحول بعدی در معبد سیبول (شکل ۸-۲) ظاهر شد که بر سکویی با طرحی دایره‌ای شکل ساخته شد و از ستون‌های یکپارچه استفاده کردند.



شکل ۸-۲ معبد سیبول، تیولی، ایتالیا، اوایل سده اول ق. م



شکل ۷-۲ معبد فورتانا ویریلیس (معبد پورتونوس)، رم، ایتالیا، حدود ۷۵ ق. م

همچنین با ساخت فوروم (میدان مرکزی مستطیل شکل) در شهر رم و پومپئی مهمترین نمونه مرکز اجتماعات رومی پدید آمد (شکل ۹-۲). در این دوره تحولات طراحی فضاهای درونی با تزئینات خاص نقاشی در موزائیک‌کاری پدید آمد که می‌توان به چهار سبک متوالی و در عین حال ترکیبی اشاره کرد. سبک نخست (از حدود ۶۰-۲۰۰ ق. م) نمای مرمرین نامیده شده است که در آن دیوار به صورت قاب‌های چند رنگ درخشان نقاشی می‌شد که ادامه شیوه هلنی (یونانی‌گری) است (شکل ۱۰-۲).



۱۰-۲ نقاشی دیواری، سبک اول (نمای مرمری)، هرکولانیوم، ایتالیا، اواخر سده دوم ق.م

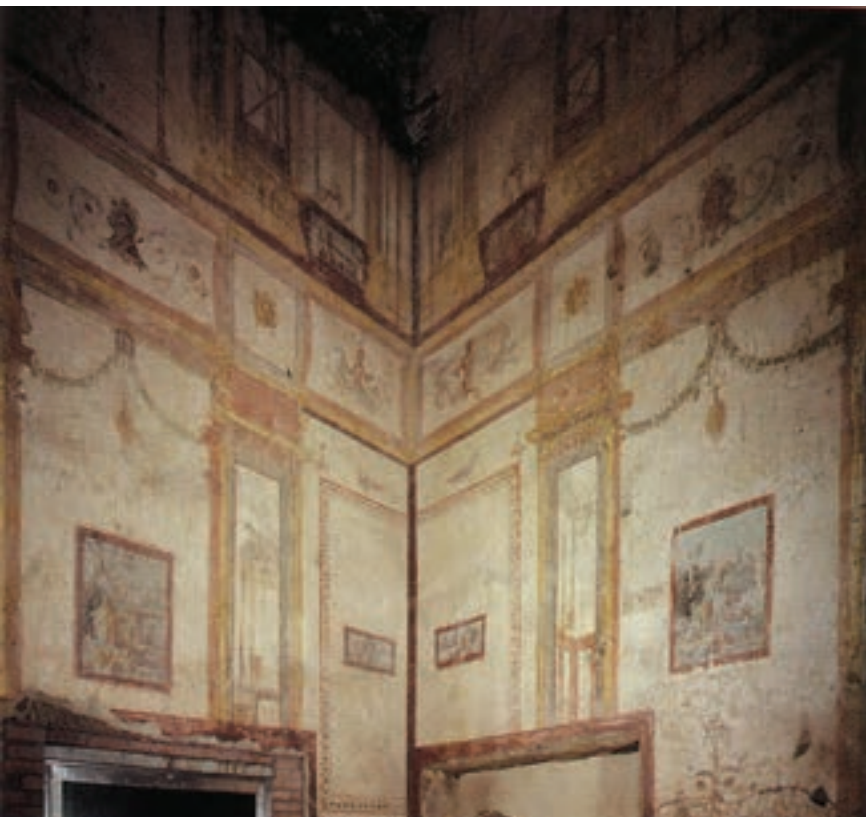


۹-۲ چشم انداز هوایی فوروم، پمپئی، ایتالیا، از سده دوم ق.م به بعد

سبک دوم (از حدود ۲۰-۶۰ ق.م) است که در آن دیوار شبیه به اشکال معماری و نوعی چشم انداز و هندسه مناظر و مرایا (پرسپکتیو) تزئین می‌شد و به نام نمای معماری شهرت یافته است (شکل ۱۱-۲).
سبک سوم (حدود ۲۰ ق.م تا ۶۰ م) همزمان با اواخر دوره جمهوری و اوایل دوره امپراتوری به عنوان نمای آراسته همراه با عمق نمایی اندک و با وجود ستون‌های نقاشی شده و تزیین یافته با حلقه‌های گل و پیچک نمایانده می‌شد (شکل ۱۲-۲).
چهارمین سبک (حدود ۷۹-۶۰ م) به عنوان نمای ترکیبی به تأثیر از تئاترهای رومی و ترکیبی از دیگر سبک‌ها و امکانات پرسپکتیو فضایی اجرا می‌شد (شکل ۱۳-۲).



۲-۱۱. نقاشی دیواری، سبک دوم (نمای معماری)، بوسکورال، ایتالیا، حدود ۴۰-۵۰ ق.م



۲-۱۳ نقاشی دیواری، سبک چهارم (نمای ترکیبی)، رم، ایتالیا، ۶۸-۶۴ میلادی

۲-۱۲ نقاشی دیواری، سبک سوم (نمای آراسته)، بوسکورال، ایتالیا، حدود ۱۰ ق.م

ب: دوره امپراتوری: این دوره از زمان به قدرت رسیدن اوکتاویانوس (آگوستوس) در سال ۲۷ ق.م آغاز و تا شکل گیری صدرمسیحیت ادامه می یابد. در این دوره طرح های بلند پروازانه امپراتوری در معماری بیش از دوره های قبل خود را نشان می دهد.

از اینرو ساخت بناهای باشکوه، مکان های نظامی، پل ها همراه با اصول مهندسی شکل می گیرد. از مشهورترین این آثار بنای معروف کولوسئوم (آمفی تئاتر فلاویوس) (۸۲-۷۲ م) است که توسط نخستین امپراتور سلسله فلاوین ساخته شد و در سال ۸۰ میلادی توسط امپراتور تیتوس به مردم اهدا شد (شکل ۱۴-۲). این بنا از ابداعات رومی و نوعی سالن نمایش یا آمفی تئاتر است که از حالت نیم دایره به دایره تبدیل شده است.

از دیگر آثار معبد پانتئون به صورت معبدی گرد و گنبددار همراه با رواقی مستطیل شکل است (شکل ۱۵-۲).

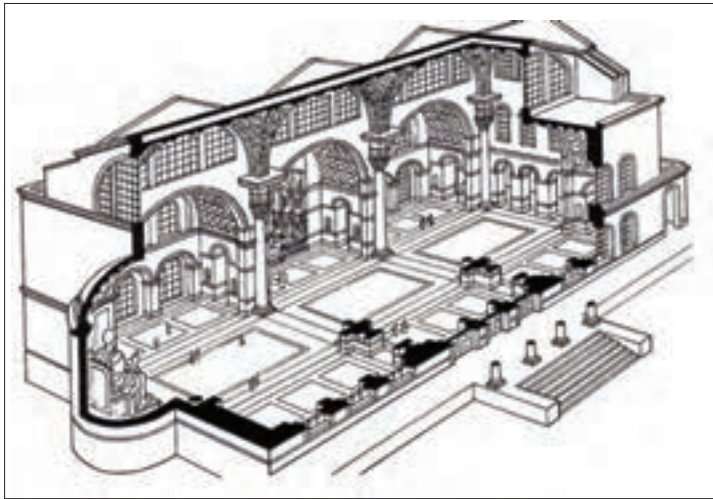


۲-۱۵ چشم انداز هوایی پانتئون، رم، ایتالیا، ۱۲۵-۱۱۸ میلادی



۲-۱۴ چشم انداز هوایی کولوسئوم، رم، ایتالیا، حدود ۸۰-۷۰ میلادی

روش طاق زنی رومی طاق گهواره‌ای است که نمونه شاخص آنرا می‌توان در حمام‌های کاراکالا (شکل ۱۶-۲) و باسیلیکای کنستانتین (شکل ۱۷-۲) دید.



شکل ۱۷-۲ طرح باسیلیکای نوا (باسیلیکای کنستانتین)، رم، ایتالیا، حدود ۳۱۲-۳۰۶ میلادی



شکل ۱۶-۲ طرحی از تالار مرکزی حمام کاراکالا، رم، ایتالیا، ۲۱۶-۲۱۲ میلادی

همچنین از نمونه‌های پیکره‌سازی این دوران که همان ادامه شیوه واقع‌گرایی دوره جمهوری و ادامه‌دهنده شیوه آرمانی و کمال طلب تناسبات پولوکلیتوسی دوره هلنی یونان است را می‌توان در مذبح صلح آگوستوس (شکل ۱۸-۲) و دیگر پیکره‌ها مشاهده کرد.



شکل ۱۸-۲ مذبح صلح آگوستوس، رم، ایتالیا، ۹-۱۳ ق.م

اما به لحاظ ارزش فتوحات و جاودانه ساختن رویدادهای واقعی همگامی نقش برجسته و اشکال ساختمانی عظیم نوع جدیدی از بنا به صورت طاق نماهای پیروزی در دوره امپراتوری شکل گرفت که می‌توان به طاق تیتوس (شکل ۱۹-۲) و طاق کنستانتین (شکل ۲۰-۲) اشاره کرد.

نوع دیگری از بناهای یادبود ستون تراپانوس (تراژان) است که با ارتفاع ستون اصلی ۳۸/۵ متر در رم ساخته شده است (شکل ۲۱-۲).

همچنین توجه به فردیت و پیکر تراشی فردی نمونه‌های شاخص واقع‌گرایانه در چهره امپراتور آگوستوس (شکل ۲۲-۲) و دیگر شخصیت‌ها می‌توان مشاهده کرد.

در دوره پایانی امپراتوری رومی به واسطه دوران هرج و مرج سده سوم میلادی، امپراتوری روم به دو بخش روم شرقی و غربی مجزا شد و در این میان با ساخت شهر کنستانتین (قسطنطنیه یا استامبول امروزی) و انتقال پایتخت از روم به این شهر در



۱۹-۲ طاق تیتوس، رم، ایتالیا، حدود ۸۱ میلادی



۲۰-۲ طاق کنستانتین، رم، ایتالیا، ۳۱۵-۳۱۲ میلادی

سال ۳۳۰ م و با پذیرش رسمی آیین مسیحیت دوران امپراتوری رومی قدیم به پایان رسید و با سقوط امپراتوری روم غربی به دست اقوام پراکنده اروپایی و شکل‌گیری تمدن بیزانس در روم شرقی دوره جدیدی در گستره امپراتوری رومی آغاز شد.



۲-۲۲ تندیس آگوستوس، پریمپورتا، ایتالیا، حدود ۲۰ ق.م، مرمر



۲-۲۱ ستون تراژان، میدان تراژان، رم، ایتالیا، ۱۱۲ میلادی

پرسش:

- ۱- مشهورترین نمونه ریخته‌گری هنر اتروسک را نام برده و در مورد علت شهرتش توضیح دهید.
- ۲- در دوره جمهوری روم چه تغییرات مهمی در هنر پیکره‌سازی و معماری به وجود آمد؟
- ۳- سبک‌های مختلف تزئین فضاهای درونی هنر روم را توضیح دهید.
- ۴- بنای معروف کولوسئوم در چه دوره‌ای ساخته شد؟ ویژگی‌های آن را ذکر کنید.
- ۵- علت ساخت طاق‌نماهای پیروزی چه بود؟ نمونه‌هایی از آن را مثال بزنید.
- ۶- علت تقسیم امپراتوری روم به دو بخش شرقی و غربی چه بود؟ و چه پیامدهایی داشت؟

فصل سوم

هنر و تمدن مسیحی



هنر صدر مسیحیت (سده اول میلادی تا سده ۵ میلادی)

هنر بیزانس (سده ۵ تا ۱۵ میلادی)

هنر سده های میانه (هنر ژرمنی، کارولنژی، اوتونی، رومانسک،

گوتیک) سده ۵ تا ۱۵ میلادی

EUROPE AND THE BYZANTINE EMPIRE CA. 1000





فصل سوم

اهداف رفتاری:

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود:

- ۱- کاتاکومب و خصوصیات کلیسای صدر مسیحیت و تأثیر آنرا بر بیزانس توضیح دهد.
- ۲- ویژگی‌های آرامگاه کنستانتینا را شرح دهد.
- ۳- هنر موزاییک کاری مسیحیت را توصیف کند.
- ۴- هنر پیکر سازی مسیحی و تحولات آن را شرح دهد.
- ۵- نخستین و دومین عصر طلایی هنر مسیحی را توضیح دهد.
- ۶- کلیسای سان ویتاله و بناهای دیگر این دوره را توصیف کند.
- ۷- شاهکارهای دوران ژوستینیان را شرح دهد.
- ۸- نقاشی‌های دوران بیزانس را توضیح دهد.
- ۹- هنر ژرمنی را شرح دهد.
- ۱۰- تحولات هنر دوره اتونی را توضیح دهد.
- ۱۱- هنر دوره رومانسک را شرح دهد.
- ۱۲- هنر دوره گوتیک را توصیف نماید.